

## ادیبان دوزبانه سلجوقی و تحولات زبان فارسی و عربی

محمد جعفری\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶

فریبرز حسینجانزاده\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۱

زهرا یزدانی\*\*\*

### چکیده

زبان فارسی و عربی، به سبب هم‌جواری و تعاملات دوسویه، از دوره باستان تا کنون، بر اثر مناسبات فرهنگی و سیاسی بسیار از یکدیگر متأثر شده‌اند. اما در قرن پنجم هجری خاصه در عصر سلجوقیان به سبب رقابت‌های علمی و ادبی میان شاهزادگان و امیران ولایت‌های مختلف این تأثیرپذیری و اختلاط وارد بسیاری از واژه‌های دو زبان شد که نهایتاً به تکامل تدریجی آن‌ها منجر گردید. این پژوهش بر اساس منابع ادبی و تاریخی، نیز تحقیقات جدید، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تبیین علل و عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت این دو زبان در دوره سلجوقی پرداخته است و به این نتیجه دست یافته که ریشه تحول و پیشرفت زبان فارسی به عنوان زبان ملی و زبان عربی در سطح زبان دینی و شرعی در این عصر بوده است؛ نویسندگان و شاعران دوزبانه و نیز امیران و شاهزادگان سلجوقی در فرایند این تحول و تأثیرپذیری بیش‌ترین تأثیر را داشتند. هدف این تحقیق بررسی شخصیت‌های سیاسی و ادبی دوزبانه در ادبیات فارسی و عربی، و همچنین کشف علت بقای این دو زبان در زمان حاضر است.

**کلیدواژگان:** ادبیات، زبان فارسی، زبان عربی، شاعران، نویسندگان، امیران سلجوقی.

\* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، ایران (استادیار).

D.M.jafari92@yahoo.com

\*\* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، ایران (استادیار).

janzadeh46@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، ایران.

zyazdani32@yahoo.com

نویسنده مسئول: زهرا یزدانی

## مقدمه

با بررسی گذشته زبان‌های زنده جهان معاصر می‌توان دریافت که زبان‌های هم‌جوار تأثیر بیش‌تری از یکدیگر پذیرفته‌اند؛ از جمله زبان فارسی و عربی به سبب نزدیکی و نیز تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همواره در طول تاریخ با تأثر از یکدیگر در تکامل همدیگر نقشی در خور داشتند. با ریشه‌یابی بسیاری از لغات و اصطلاحات هر دو زبان می‌توان دریافت که ادیبان دوزبانه به منظور کسب علوم مختلف و یا دانش افزایی به سرزمین‌های پهناور اسلامی سفر کردند که نقش بسزا در تحول این تأثیر داشتند. برخی محققین زبان‌شناس عرب منشأ بسیاری از واژه‌های فارسی را برگرفته از عربی می‌دانند؛ اما وجود هزاران واژه فارسی در زبان عربی نشان از تأثیرپذیری بسیار زبان عربی از فارسی است و از سوی دیگر ظهور دانشمندان نحوی و لغوی ایرانی مؤید تکامل زبان عربی به دست فارسی‌زبانان دوزبانه است.

در دوره پیش از اسلام خاصه دوره ساسانی به دلیل برتری قدرت نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایرانیان نسبت به اعراب، نفوذ و تأثیر زبان فارسی بر عربی در بیش‌تر حوزه‌ها گسترده بود (آذرنوش: ۱۳۷۳: ۱۵۸) اما در دوره اسلامی با سیطره عرب‌ها بر ایران، و آوردن اسلام به این منطقه، زبان عربی بر فارسی پیشی گرفت، و با ورود هزاران واژه دینی و اعتقادی، زبان فارسی به حاشیه رفت. در دوره‌های بعد با آغاز حکومت‌های ایرانی خاصه در عصر صفاریان (۲۰۷-۲۶۱ق)، کوشش‌های دوستداران زبان فارسی در رشد و گسترش آن در دوره‌های بعد تأثیر زیادی گذاشته است و پایه زبان فارسی نوین که آمیخته با عربی بود، گذاشته شد (بهار، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۶) و در دوره سامانیان (۸۷۴-۱۰۰۴م)، شکل رسمی و قانونی یافت (جعفریان، ۱۳۷۷: ۹۱) و نیز در دوره غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷م) به سبب علاقه سلطان محمود به شعر و ادبیات، به اوج رونق و شکوفایی خود رسید (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۲۳۳ و ۱۳۵).

در دوره سلجوقی با اهمیت یافتن زبان فارسی در کنار زبان عربی ادیبان برای حفظ جایگاه و فزونی دانش خود با روی آوردن به هر دو زبان آثار علمی خود را دوزبانه تألیف کردند. همچنین دیگر ادب‌پرووران همانند نویسندگان، کاتبان، وزیران، مشاوران و نیز اکثر پادشاهان، شاهزادگان، امیران و امیرزادگان، بر هر دو زبان شعر می‌سرودند. در این

مقاله سعی بر آن است تا با بررسی و معرفی برخی از ادیبان دوزبانه این عصر و آثار منظوم و منثور آنان، نقش آنان در تحولات و تکامل تدریجی دو زبان فارسی و عربی و تأثیرپذیری آن دو از یکدیگر بپردازد.

### پیشینه تحقیق

درباره ادبیات دوزبانه کتاب‌ها و مقالات بسیار به صورت پراکنده و نگاشته شده است که اغلب این تحقیقات گزینشی هستند؛ و نویسندگان سعی کردند تا از زوایه‌های مختلف درباره تأثیر زبان فارسی و عربی بر یکدیگر پژوهش انجام دهند. از جمله در سال ۱۹۰۲م کتاب «تاریخ ادبیات فارسی» اثر یوگنی منتشر شد، نویسنده در بخشی از این اثر پژوهشی به نویسندگان و شاعران دوره سلجوقی اختصاص داده که در زمان خودش اثری گران‌سنگ به شمار می‌رود. نیز در سال ۱۲۹۰ش اثر ادبی دیگر موسوم به «تاریخ ادبیات ایران» به قلم ذبیح‌الله صفا نگاشته شد، جلد دوم این اثر اشاراتی به شاعران پارسی‌گوی دو زبانه کرده است. از سوی پژوهشگران غربی در دهه‌های اخیر مطالعاتی را درباره ادبیات دوره سلجوقیان شکل گرفته که در خور توجه‌اند؛ از جمله در سال ۱۳۵۶ش پیتر و همکارانش پژوهشی مفصل درباره تاریخ سیاسی اجتماعی و ادبی سلجوقیان تحت عنوان «The Cambridge History of Islam, Peter, Malcolm, Holt, Ann K.S Lamboton Volume2, Cambridge University Press, Turkish Ordibehsht, 1356» همچنین از اثر گران‌بهایی در این حوزه می‌توان به «Language Literature and History, Bill H ickman, Gary Leiser,, Routiedge, Mehr, 22, 1394» اثر بیل اشاره کرد که در سال ۱۳۹۴ به رشته تحریر در آمده؛ نویسنده در این اثر به صورت تخصصی به ادبیات دوره سلجوقیان پرداخته و تأثیرات آن‌ها در حوزه ادبیات فارسی و عربی را مورد تحلیل قرار داده، و همچنین به حمایت امیران حوزه مختلف سلجوقی که به شکوفایی ادبیات خاصه فارسی انجامید اشاره دارد. همچنین از مهم‌ترین مقالاتی که به صورت گزینشی در این حوزه نگاشته شده می‌توان به «چگونگی تأثیرپذیری زبان‌های فارسی و عربی از یکدیگر» اثر ولی‌ظفری که سال ۱۳۸۲ در پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی به چاپ رسیده است اشاره کرد. نویسنده به طور کلی به بررسی تأثیرپذیری این دو زبان از یکدیگر در

دوره‌های مختلف پرداخته است. «تأثیر فارسی بر زبان و ادبیات عرب» از دیگر مقالات در این زمینه است که به قلم محسن رائی در فصلنامه شناخت در تابستان ۱۳۸۶ به چاپ رسیده. همچنین مقاله «بررسی تطبیقی شیوه اثرگذاری مآثورات عربی در متون فارسی» که نویسنده به ارزیابی آیات، احادیث، اشعار، دعا و غیره که به زبان فارسی راه یافته‌اند می‌پردازد (فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۴، ۱۳۹۵).

### مسأله تحقیق

پس از ورود اسلام به ایران چند سده به سبب به رسمیت یافتن زبان عربی به تدریج زبان فارسی به حاشیه رفت؛ اما در دوره‌های بعد خاصه در عصر سامانیان و سپس سلجوقیان، و راه یافتن اندیشمندان ایرانی به دستگاه حکومتی فرصتی فراهم آمد تا به توسعه زبان و ادب فارسی پرداخته شود. از این رو در عصر سلجوقیان به جز زبان عربی زبان فارسی هم رشد چشمگیری داشت؛ به نظر می‌رسد این دوره، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات فارسی است که ادبیات دوزبانه پدیدار گشت. رقابت‌های موجود بین قدرت‌های منطقه‌ای سلجوقیان، شرایط ادبی تازه‌ای را فراروی شاعران و نویسندگان قرار داد؛ از این رو این پرسش در خور توجه است که ادب فارسی خاصه دوزبانه در دوره سلجوقیان به چه جایگاهی دست یافت؟ و نویسندگان و شاعران چه تأثیری بر پیشرفت ادبیات دوزبانه داشتند؟

با توجه به مباحث مذکور، این فرضیه مطرح است که به سبب تثبیت زبان و ادب فارسی در دوره سامانیان و سپس غزنویان، سلجوقیان نیز برای تثبیت پایه‌های حکومتی خود و جلب حمایت مردم ایران، به شعر و ادب فارسی توجه بسیار کردند و با حمایت فراوان از نویسندگان و شاعران بسیار باعث شکوفایی ادب فارسی عربی گردیدند که سرانجام به تألیف چندین آثار ارزشمند درباره ادبیات دوزبانه در این عصر منجر شد.

### چگونگی آمیختگی زبان فارسی و عربی

در قرن سوم هجری با کتابت فارسی با الفبای عربی و سرودن اشعار فارسی بر اساس اوطان عربی، گامی بزرگ برای پیوند میان زبان فارسی و عربی برداشته شد، و نیز با

کوشش‌های ادیبان دوزبانه تغییرات بسیاری در وزن عربی ایجاد کردند. از جمله تغییر در عدد تفعیلات یک بیت، و در بحر کامل که تفعیلات آن با هم موحد هستند (الموحدة التفعیلات). بدین گونه که بحر کامل در عربی شش تفعیله دارد حال آنکه در فارسی هشت تفعیله است (کفافی، ۱۹۷۲م: ۲۶۷-۲۶۹). به نظر می‌رسد که وزن شعر عربی نیز از اوزان فارسی تأثیر پذیرفته است؛ زیرا بسیاری از پژوهش‌گران بر این باورند که شعر بند عربی متأثر از بحر طویل فارسی است که بعدها شعر نو عربی از آن نشأت گرفت (فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۶: ۱۵۳-۱۸۰).

با مطالعه آثار ادبی می‌توان دریافت که به تدریج اختلاط دو واژگانی بیش‌تر می‌شود؛ این امر را در نوشته‌های اولیه فارسی، مثل «تاریخ بلعمی» که واژه‌های عربی کم‌تری دارد، و کم‌تر به موضوعات مربوط به تمدن اسلامی می‌پردازد، می‌توان دید. اما با گسترش فرهنگ اسلامی در دوره‌های بعد ارتباط زبان فارسی با عربی بیش‌تر شد و زبان با بهره‌گیری از لغات عربی غنی شد. در بیش‌تر اوقات شاعران برای ساخت شعر آهنگین، لغات فارسی و یا معادل عربی به کار می‌بردند (The Cambridge History of Islam, P.687). در اثر این اختلاط، فنون بلاغی نیز رونق یافت و نمونه آن در آثار فارسی و عربی که استشهدات فارسی در کنار عربی آورده شده، دیده می‌شود. مانند «کليلة و دمنه» اثر نصرالله منشی و «مقامات» بدیع الزمان همدانی، با بررسی این آثار می‌توان دریافت که ادیبان بزرگ ایران هنگام استشهداد به عربی آن را ترجمه نمی‌کردند؛ محتملاً آسانی فهم این نصوص برای بسیاری از فرهیختگان دوزبانه دلیل اصلی این کار بوده است. برخی از منابع علمی نیز در عصر سلجوقی دوزبانه نوشته شد که تأثیر بسیاری بر گسترش این نوع نوشتار داشت؛ مهم‌ترین آن عبارت است از «کشاف اصطلاحات الفنون» اثر محمد علی فرزند شیخ علی بن قاضی مشهور به تهنوی.

این نمونه از سبک دوزبانه در اشعار ملمع به وضوح دیده می‌شود، شاعران بیش‌ترین اشعار خود که در آن زمان با محتوای دینی، عاطفی، سیاسی و جز آن بود را با یک یا دو بیت فارسی آغاز می‌کردند و در ادامه بیت عربی می‌آوردند، گاهی بر عکس نیز آورده شده است (همان: ۲۱۵). نمونه‌ای از این نوع شعر در ذیل آورده شده است:

اخلائی اخلائی فدیتکم اخلائی      اعینونی اعینونی علی همی وبلوائی

شدم از دست یکباره، من مجنون شیدائی  
الا یا عبرتی سیلی الا یا مهجتی ذوبی  
الای دلبر عاشق کش خونخواره، وقت آمد  
خداوندا خلاصم ده ز دست هجر و تنهایی  
فقد اصبحت مرحوما لأحبابی واعدائی  
که بر جان و جوانی من بیدل ببخشایی  
(عوفی، ۱۳۶۱: ۱۸۳-۱۸۴)

### ادیبان دوزبانه

ادیبان دوزبانه در دربار سلسله‌های ایرانی، چون صفاریان، سامانیان و آل بویه، حضوری پررنگ داشتند و در دوره سلجوقی به سبب اهمیت جایگاه آن‌ها در بارگاه علاوه بر رونق یافتن اشعار دوزبانه به ارتقای دانش ادبی نیز منجر شد. از سویی دیگر با رسیدن به مناصب حکومتی تأثیر بسیاری در علاقه‌مندی به ادبیات گذاشت و بسیاری از آنان در نوشته‌ها و شعرهای خود، از هر دو زبان استفاده می‌کردند. البته با بررسی آثار بیش‌تر ادیبان این دوره به نظر می‌رسد آنان از نظر محتوا و مضامین شعر و نوشتن نتوانستند صاحب سبک و دگرگونی شوند و فقط با سرودن این نوع اشعار به گسترش آن در دوره‌های بعد و آمیختگی دو زبان کمک کردند. برجسته‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱. ابونصر احمد بن ابراهیم الطالقانی

ابونصر/احمد از مداحان نظام الملک وزیر برجسته سلجوقی بود. محتوای بیش‌تر اشعارش در زمینه مدح و ستایش وزیر بود؛ بررسی اشعار ابونصر نشان از رواج گسترده این نوع سبک شعری در آن دوره دارد. ظاهراً به جز سرودن شعرهایی مطبوع و دلنشین، تازگی خاصی در اشعارش دیده نمی‌شود. نمونه‌ای از شعرش در مدح نظام الملک:

خوطبت بالوزارة من متناهی  
إلیه المجد واجتمع الفخار  
(عوفی: ۳۰۰)

ابیات فارسی:

نکند با عدو مدارا شود  
گرچه داری بناز کژدم را  
زو بهر حال دور باید بود  
بگذرد هر کجا بیابد زود  
(همان)

### ۲. امیر فخرالدین خالد بن الریع الملکی الطولانی

فخرالدین از مشاهیر، فرزندگان و اعیان خراسان این دوره بود که در فصاحت و بلاغت شهرتی عام داشت. وی با بکارگیری الفاظ بدیع و بلاغی در شعرش علاوه بر اینکه به آن طراوت بخشید، سبب تازگی و تفاوت اشعارش از هم‌عصران خود شد. مهم‌ترین اشعاری که از وی باقی مانده مکاتبه و مشاعره با شاعر بنام هم‌زمانش یعنی /نوری شاعر مشهور دوره غزنوی و سلجوقی است. وی در یکی از مکاتبات خود با/نوری چنین گفته است:

سلام علیک انوری کیف حالک	مرا حال بی تو نه نیکست باری
--------------------------	-----------------------------

(عوفی: ۳۴۲-۳۴۳)

هی الدنيا تقول بملء فیها فلا یغررکم طول ابتسامی هی الدنيا أشبهها بشهد	حذار حذار من بطشی وفتکی فقولی مضحک والفعال مبکی سیم وجیفة ملئت بمسک
---	---

(همان: ۳۴۳)

و از بیت‌های فارسی:

ای دست برده از همه خوبان دلبری کارم ز دست رفت چون بردی دلم تمام ای در صف جمال زبر دست نیکوان	ناوردمت به دست و بماندم ز دل بری دستی تمام داری در کار دلبری در حسن زیر دست هم حور و پری
--	--

(همان: ۳۴۴)

### ۳. ملک السادات نیشابوری

نیشابوری نویسنده و شاعر توانمند از سادات و بزرگان عصر سلجوقی که صاحب دیوان استیفای نیشابور بود، از مهم‌ترین کار ادبی وی رونوشتی روان از «تاریخ خوارزمشاهی» است. این کتاب از تواریخ محلی است که به صورت مفصل به رویدادهای دوره خوارزم پرداخته شده است. آن چیزی که شعر نیشابوری را متفاوت می‌کند توجه به اشعار مذهبی است که ظاهراً بیش‌تر در این زمینه شعر سروده است. وی به دلیل علاقه‌مندی به نوشتن و کتابت در اواخر حیات از شغل دیوان استیفاء استعفا کرد و کتاب «تاریخ سلطان اسکندر» را نگاشت (عوفی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۶).

گزیده‌ای از اشعارش:

لو كُنْتَ تَعْلَمُ مَا تَلْقَاهُ عَنْ كَثَبٍ  
أَلَسْتَ تَذَكَّرُ مَا قَدْ قِيلَ فِي مَثَلِ  
لَمْ تَبْتَسِمِ فَرِحاً فِي هَذِهِ الدَّارِ  
الْعَيْرُ يَضِرُّ وَالْمِكْوَاةُ فِي النَّارِ

(همان: ۱۲۵)

لَمَّا سَبَانِي سَمَطًا لَوْلِي نُظِمَا  
وَلَمْ أَجِدْ قُوْتَ رُوحِي غَيْرَ رَشْفَهُمَا  
عَنْ فِيهِ فَحَقَّهُ مِنْ فَصِّ يَاقُوتِ  
نَادَيْتُ يَا شَفْتَيْهِ فَصِّ يَاقُوتِي

(همان: ۱۲۵)

گر دهدت روزگار دست و زبان، زینهار  
با همه عالم بلاف، با همه خلق از گزاف  
دست‌درازی مجوی، چیره‌زبانی مکن  
هرچه بدانی مگوی، هرچه توانی مکن

(همان: ۱۲۶)

#### ۴. رضی الدین نیشابوری

رضی الدین شاعری دوزبانه، خوش قریحه، حافظ قرآن و از مشاهیر علم و ادب بود. مطالعه اشعار وی نشان از توانمندی و ذوق هنری وی در سرودن شعر به ویژه فارسی آشکار است. اما به نظر می‌رسد سبک و یا شیوه جدیدی را به کار نبرده است.

وَأَفَى الْكِتَابِ رَضِيَ الدِّينُ فَانْقَلَبَتْ  
هَمُّ الزَّمَانِ بِكَيْدِي أَنْ تَغَادِرَهَا  
كَتَائِبِ الْحُزْنِ عَنْ قَلْبِي بِإِجْحَامِ  
كَجِرِهِ فَارَعَوِي إِذَا أَنْتَ لِي حَامِ  
سَوَادِ خَطِّكَ مَسْوَدَاتِ أَيَّامِي  
وَرَدِّ فِي الْبَيْضِ يَحْمِي اللَّهُ عِزَّتَكُمْ

(همان: ۱۲۶)

ماه در مشک نهان کرده که این رخسارست  
شکر از پسته روان کرده این گفتارست

سنگ در سینه نهان کرده که این چیست؟ دلست

سرو را کرده خرامنده که این رفتارست

سایبان یاسمنش را ز همه سنبل تر

خواب که نرگس او را از گل بر بارست

(همان: ۱۲۶)



## پادشاهان و امیران دوزبانه

حکمرانان سلجوقی به ادبیات و آئین و رسوم ایران باستان علاقه وافر نشان می‌دادند و در رشد و توسعه زبان و ادبیات فارسی نقش بسیاری داشتند. به ویژه در بخش سلجوقیان روم واقع در آسیای صغیر (ترکیه امروزی) شعر دوزبانه بیش‌تر مورد توجه بود. امیران از ادیبان دوزبانه حمایت‌های بی‌دریغ کردند؛ آنان نیز به این دو زبان شعر می‌سرودند (خسروشاهی، ۱۳۵۰: ۵۵-۵۶؛ Turkish Language Literature and History, P. 287J 386). بررسی شرح اشعار آن‌ها نشان از نابودی بسیاری از اشعار و یا عدم ثبت و ضبط آن حکایت دارد. برجسته‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

### ۱. کیخسرو بن قلج ارسلان (۵۵۱-۵۸۴ ق)

کیخسرو از پادشاهان سلجوقیان روم بود. وی شاعری توانمند، دوزبانه که در ادبیات شعری مهارت بسیار داشت. وی علاوه بر اینکه در شعر و شاعری دست داشت، مشوق بسیاری از شاعران و نویسندگان دوزبانه بود و با حمایت مالی از آنان به رونق ادبیات دوزبانه در آن عصر کمک بسیاری کرد. از این رو *نجم‌الدین راوندی* نویسنده شهیر و دوزبانه این عصر کتاب «*راحة الصدور*» که به سبک فنی نگاشته بود را به وی تقدیم کرد. مهم‌ترین ویژگی اشعار کیخسرو بکارگیری بسیار از واژه‌ها و اصطلاحات عربی بود.

صَحَّتْ ذَات طَاهِر سَمَوِي	تاج اصحاب مجلس اُخْوِي
عَزَّ أَقْرَان يَغَانِيهِ أَفْأَق	صدر اسلام مجد دين اسحاق
دست آفت ز عرض او مصروف	چشم فتنه ز ذات او مكفوف
دیدي آن مجمع صدور كرام	که زمانه چگونه کرد حرام

(ابن بی بی، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۲)

### ۲. ناصرالدین برکیارق شاه

ملک ناصرالدین برکیارق شاه بر مناطق حصار و نیکسار، که امروزه از توابع ترکیه است، از قلمرو سلجوقیان روم امارت داشت، شاعر و نویسنده‌ای توانمند در این حوزه بود بررسی اشعارش نشان از تمایل وی به سبک مصنوع بوده است. از مشهورترین

قصیده‌های فارسی وی، که از وی بر جای مانده، قصه حورزاد و پری زاد است که با سبک مصنوع به نظم درآورد (ابن بی بی، ۱۳۹۰: ۲۴).

تعالی الله خداوند مقدس  
برید حضرتش پیک دو رنگی  
پدید آورنده سقف مقرنس  
به صورت مختلف رومی و زنگی  
(همان)

در اشعاری دیگر می‌گوید:

أی فتاةٍ لم تُرَّحِ عَضَاظَتُهُ  
وَأیُّ هِلَالٍ لَمْ يَشْنَهُ مُحَاقُهُ  
وَأیُّ حُسَامٍ لَمْ تُصْبَهُ فُلُولُ  
وَأیُّ شَهَابٍ لَمْ تَخْنَهُ أَفْوُلُ  
(همان: ۲۵)

## نویسندگان

از دیگر اقشاری که بر توسعه ادبیات دوزبانه در عصر سلجوقیان تأثیر بسزایی گذاشتند کاتبان و نویسندگان بودند که به دو زبان فارسی و عربی تسلط کامل داشتند؛ این خبرگی و مهارت در نویسندگی مجالی برای آنان فراهم آورده بود تا به فضل فروشی و نمایش نوشته‌هایشان در میان رقبای ادبی پردازند که در رشد و گسترش نوشته‌های ادبی تأثیر بسزایی گذاشت؛ آنان علاوه بر تدوین آثار منثور، منظوم نیز بر جای گذاشتند که در گسترش دو زبان و آمیزش و اختلاط آن نقش در خوری داشت. برجسته‌ترین آنان عبارت‌اند از:

### ۱. نجم الدین ابوبکر راوندی

نجم الدین ابوبکر ادیب و شاعر در سال ۵۵۰ ق در راوند کاشان متولد شد. وی از سال ۵۷۷ ق پس از انقراض سلجوقیان بزرگ، از همدان به آسیای صغیر رفت و در آنجا مورد حمایت سلطان کیخسرو بن قلیچ ارسلان قرار گرفت. مهم‌ترین اثر علمی وی کتاب «راحة الصدور وآية السرور» است (صفا، ۱۳۶۹: ۱۰-۹) که اشعار و قصایدش را در آن آورده است. این اثر از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است. ارزش کتاب به حفظ بسیاری از اشعار فارسی است.

نمونه‌ای از متن کتاب که گویای دوزبانه بودن *راوندی* است؛

«در آن فتور که میان سلطان محمد و برکیارق می‌بود کار ملاحظه خذلهم  
الله نیرو گرفت و بهر شهری داعیان پراگنده شدند؛ مثل کَلُّ يَعْرِفُ بِقَوْلِهِ  
وَيُوصَفُ بِفِعْلِهِ فَقُلْ سَدِيدًا وَافْعَلْ حَمِيدًا هر کس به گفتار شناخته شود و به  
کردار افراخته گردد سخن گزیده گوی و به راه کردار ستوده پوی، به  
اصفهان ادیبی بود او را *عبدالمل عطاش* گفتندی، در ابتدا خویشتن به  
تشییع منسوب می‌کرد. بعد از آن متهم شد و ایّمه اصفهان تتبّع او می-  
کردند و تعرّض خواستند نمود، بگریخت و بری شد و از آنجا به حسن  
صباح پیوست، مثل: من استهدى الأعمى عمى عن الهدى، شعر:

کراکور رهبر بود در سفر بود منزلش بی گمان در سقر  
(راوندی، ۱۳۶۴: ۱۵۵-۱۵۶)

## ۲. رشیدالدین وطواط

از ادیبان نامدار و فصیحان مشهور دوزبانه در نظم و نثر پارسی و عربی *خواجه*  
*رشیدالدین وطواط* بود؛ وی در برگزیدن کلمات و قوت ترکیب، از شاعران کم نظیر بود و  
همچنین در بیان صنایع، بدون آنکه به زیبایی شعر یا نثر لطمه زند بسیار مهارت داشت.  
*خواجه* رشید در بیان صنایع ادبی و گزینش واژه‌های غنی و اصطلاحات مهارت و توانایی  
بسیار داشت، همین امر سبب شد تا نثرش از محتوای بالایی برخوردار شود و آن را از  
دیگر نویسندگان متمایز کند، اشعار به جای مانده از وی نیز ارزش هنری بالایی دارد. در  
ذیل نمونه‌ای از نثر و شعر وی آمده است.

*خواجه* در یکی از نامه‌های خود در خطاب به *بهاءالدین ابومحمد خرقی* از عالمان

دین؛ چنین اظهار فضل می‌کند:

بهاء الدین فی الفتوی امام  
هو قرمّ الذی فی کُلّ حال  
وراحتُهُ لَدی الجَدوی غمام  
لَهُ بِمَنَاطِمِ الشَّرْعِ إِهْتِمَامٌ

(تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۵۵)

در ادامه شعر فوق نیز چنین می‌نویسد:

«اگر خدمتکار در این مدت به مجلس بزرگوار امامی، أجلّ، بهاء الدینی، اَدَامَ اللهُ بهائهُ، خدمتی ننوشته است، و قاصدی نفرستاده، آن را بر سوء العهد وضعف الودّ حمل نباید فرمود... اما سبب تأخیر در مکاتبت و موجب تقصیر در مراسلت فروبستگی راه بوده است... حالا شمس به حقیقت این است که نوشته آمد که خاطر عزیز از جهت او فارغ دارد و یقین شناسد کی امور او هر ساعت منتظم‌تر است و احوال مستقیم‌تر، سلام و دعای خدمتکار به خویشان و متصلان و شاگردان بفرمایید برسانید و برادر خدمتکار را تفقّد فرمود، چه او را با عماد مکارم مجلس بزرگوار، اَدَامَ اللهُ بهاء گذاشته شده است» (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۵۵).

بهای دین هدی؛ ای مُحَمَّد خِرَقِی      مُقَدِّمُ أَهْمِی و مُعْظَمُ فِرَقِی  
 دلم ز جور فلک بر خرق شدست مرا      توئی ز خلق کی درمان درد آن خرقی  
 «ایزد مجلس بزرگوار را باقی دارا و هیچ مکروه را بساحت شریف او راه  
 مدها. إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى» (همان: ۵۶).

### تألیف کتاب‌های دوزبانه فارسی و عربی

روزگار سلجوقیان به لحاظ تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی از مهم‌ترین ادوار ادبیات فارسی و عربی است، با تشویق و حمایت از نویسندگان به نوشتن آثار منثور، شعر و نثر دوزبانه به اوج خود رسید. از این رو در این دوره کتاب‌های ادبی دوزبانه بی‌بدیل بسیاری نشر پیدا کرد که برخی از آثار چون «مقامات»، «مرزبان نامه»، «کلیله و دمنه» و «چهار مقاله» شهرتی فراگیر یافتند (بهار، ۱۳۴۹: ۲۲).

نثر فنی از فنون غالب نثر ادبی در این دوره بود. برخی از محققان چون *ملک الشعراء بهار*، *نصرالله منشی* که در نیمه اول قرن ششم دبیر دیوان غزنویان دوم (دوره بعد از *مسعود غزنوی*) هم‌زمان با دوره سلجوقی اول، را آغازگر سبک فنی می‌دانند. نثر فنی نثری شعرگونه و خیال‌انگیز که زبان اصلی آن فارسی است اما مثال‌ها، اصطلاحات، لغات و اشعار بسیاری به عربی آورده می‌شود، طوری که فهم و تبیین آن، منوط به دوزبانه بودن است. از جمله آن می‌توان به نثر فنی تمثیلی (مانند «کلیله» و «مرزبان نامه»)،

«ترسل» و «منشآت»، «مقامات»، و نثر فنی تاریخی «تاریخ و صاف» اشاره کرد که در ذیل برخی از آن‌ها آورده شده است:

### ۱. کلیله و دمنه

کتاب «کلیله و دمنه» از مهم‌ترین و باارزش‌ترین آثار ادبی در این حوزه است. این اثر بی‌تردید بیش‌تر فنون نثر سیاسی، آموزشی، ادبی، تمثیلی و تعلیمی را در خود جای داده است و همین امر سبب حفظ ارزش آن در دوره‌های مختلف شده است. در دوره سلجوقی نیز ادیبان و حاکمان به این کتاب توجه بسیار کردند. تجدید چاپ آن در این عصر نشانه این توجه است. نمونه‌ای از این نثر در این دوره، در باب بیل و چکاو چنین آمده:

«رسوم سرداری و لشکری و آیین پادشاهی نچنین بود. نه بینی که شیر مردان و مرد مردان حیدر کرار کرّم الله وجهه و رَضِيَ عَنْه و لَعَنَ مَنْ أَبْغَضَهُ چه گفت: کُنَّا إِذَا إِحْمَرَ الْبَاسُ إِتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ حَتَّى لَمْ يَكُنْ وَ أَحَدًا مِنَّا أَقْرَبُ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ از خواجه هر دو سرای بیاید آموخت که هرگه کی چون آتش کارزار افروخته گردد و أجل در پرواز آید خود را سپر یاران و صحابه سازد.

كَأَنَّكَ كَاللَّيْلِ الَّذِي هُوَ مُدْرِكِي      وَإِنْ خَلْتُ أَنْ الْمُنْتَهَى عَنكَ شَاسِعُ  
نعل اسب هلاست و ستامش کوکبست      أَفْتَابَتْ أَوْ وَ اسْبِشَ آسْمَانِ أَنْدَرِ مَدَارِ  
آسمانی پر کواکب بر زمین هرگز کی دید      كَأَفْتَابِ أَوْ يَكِي بَاشِدْ هَلَالِ أَوْ چَهَارِ  
(منشی، ۱۳۷۸: ۳۵۴-۳۵۵)

در کرّ و فر آمدند و گرد از عرصه میدان برانگیختند. زدند و گرفتند و آویختند.

يَتَعَاوَرَانِ مِنَ الْعَجَاجِ مُلَاءَةً      بِيضَاءَ ضَافِيَةً هُمَا نَسْجَاهَا  
تُطَوِي إِذَا وَطِيَا مَكَانًا خَاشِنًا      وَإِذَا السَّنَابِكُ أَسْهَلَتْ نَشْرَاهَا  
دو شیر و دو جنگی دو گرد دلیر      كِه دَانْد كِه پَشْتِ كِه آرْد بَزِيرِ  
(منشی، ۱۳۷۸: ۳۵۴-۳۵۵)

متن بالا، به وضوح نثر دوزبانه کتاب «کلیله و دمنه» را نشان می‌دهد. به نکته‌های از این نوع سبک اشاره شده است:

۱- کثرت لغات و اصطلاحات و مثل‌های عربی: خصم أمائل (برگزیدگان) (منشی: ۹۹) تَرَكْتَ الرَّأْيَ بِالرَّيِّ (همان: ۱۱۰)، مَنْ يَزْرَعِ الشُّوكَ لَا يَحْصُدُ بِهِ عِنَبًا (همان: ۱۱۷)، مَقْتَلُ الرَّجُلِ بَيْنَ فَكِّيهِ. عِيَاذًا بِاللَّهِ (همان: ۱۳۱).

۲- جمع بستن جمع‌های عربی با جمع فارسی: مُصْلِحَانِ، مُفْسِدَانِ (همان: ۷)، مُقْبِلَانِ، مُقَدِّمَانِ (همان: ۱۸۵)، بِي حِفَاظَانِ (همان: ۱۹۷)، مُدْبِرَانِ (همان: ۲۰۲).

۳- ترکیبات فارسی و عربی: زِيرَك مُتَقَيِّظٌ، بَد دَل مُحْتَرِزٌ (خویشتن دار)، دَلِير مَتَهَوَّرٌ، تَوَانِگَر مُنْعِمٌ (منشی: ۹۹).

۴- اطناب یا بسط سخن که از ویژگی‌های نثر دوزبانه است.

۵- استفاده از آیات و احادیث و اشعار عربی و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عربی: «يَرْحَمُ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ أَمِينًا» (همان: ۱۴)، «عِيَاذًا بِاللَّهِ» (همان: ۱۳۱)، «بِقَدْرِ الْكَدِّ تَنْقَسِمُ الْمَعَالِي»، «نِعْمَ الْمُحَدِّثُ الدَّفْتَرُ» (همان: ۱۶)، «التَّجَارِبُ لِقَاحُ الْعُقُولِ» (همان: ۲۶)، «مَقْتَلُ الرَّجُلِ بَيْنَ فَكِّيهِ» (همان: ۱۳۱).

۶- آوردن افعال در ابتدای جمله به تقلید از عربی

۷- عدم تکرار فعل که از مختصات سبک فارسی است.

۸- برخی از لغات اصیل فارسی: «دیدار ناخوب و کردار ناستوده»، «دمدمه و افسون» (همان: ۱۸۸)، «آزرده و کینه ور» (همان: ۱۸۹)، «ناکردنی‌ها را به حسن عبارات پساواند (آراست)» (همان: ۱۹۰)، «گران جان» (همان: ۱۹۳)، «دل بریان و جگر سوخته» (همان: ۱۹۹).

۹- اصطلاحات فارسی و ضرب‌المثل‌های فارسی: «سپهر گوژپشت شوخ چشم روزکور است» (همان: ۱۷۴)، «اگر زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز» (همان: ۱۷۶)، «دهر خائن راست کار و چرخ ظالم دادگر» (همان: ۱۸۲).

۱۰- جمله‌بندی به شیوه فارسی و آوردن «ب» در اول افعال یا آمدن «ی» در آخر افعال: «اگر بدسگالان این قصد بکردند» (همان: ۹۹)، «زاغ جواب داد که اگر تمامی مرغان نام‌دار هلاک شده‌اندی و طاووس و باز و عقاب و دیگر مقدماتان مفقود گشته،

واجب بودی که مرغان بی ملک روزگار گذاشتندی و اضطرار متابعت یوم و احتیاج به سیاست رای او به کرم و مرویت خویش راه ندادند» (همان: ۱۸۲-۱۸۳).

## ۲. چهار مقاله

نظامی عروضی سمرقندی (معاصر سلطان سنجر سلجوقی)، کتاب «چهار مقاله» را در حدود سال ۵۵۱ ق تألیف کرد. نویسنده در این کتاب موضوعات علمی مختلف را در باب‌های دبیری، شاعری، نجوم و طب آورده است. نظامی برای آنکه دانش‌های مختلف را به صورت روان به مخاطب انتقال دهد آن‌ها را با حکایت‌های مناسب ذکر کرده است. مهم‌ترین نوآوری او در این اثر، بیان صناعات را به نثر فنی یا دو زبانه و نقل حکایات به نثر ساده و روان است. در مقدمه مقاله اول آورده شده:

«دبیری صنعتی است مشتمل بر قیاسات خطایی و بلاغی، منتفع در مخاطباتی که در میان مردم است بر سبیل محاورت و مشاورت و مخاصمت در مدح و ذم و حیل و استعطاف و إغراء» (نظامی عروضی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

نکته‌هایی از نثر کتاب که به ادبیات دوزبانه نگاشته شده در ذیل آورده شده:

۱- تطابق صفت و موصوف: تطابق صفت و موصوف از ویژگی زبان عربی است و چنین قاعده‌ای در زبان فارسی نبوده و در قرن ششم به تقلید از نثر عربی وارد زبان فارسی شده است (بهار، ۱۳۸۱: ۵۶). مثل: خلیفه عظیم (چهار مقاله: ۱۱۰)، قرون خالیه (همان: ۱۲۶)، ملوک ماضیه (همان: ۱۲۶)، کواکب منقضیه (همان: ۲۱۶)، روضه مبارک (همان: ۲۷۵).

۲- جمع فارسی بر عربی: خاقانیان (همان: ۱۵۱)، خاندان (همان: ۲۱۵)، ترکان (همان: ۲۷۴).

۳- لغات و ترکیبات جدید فارسی: کار در سر پیچیدن (همان: ۴۱)، آشفته کردن کار کسی و سرگردانی، ریش هزار چشمه (کفگیر) (همان: ۱۱۳)، همیدون، دل انگیز، شوریده، ناباب (همان: ۱۳۹)، آفتاب زرد (وقت غروب آفتاب) (همان: ۱۶۳).

۴- تقدیم صفت بر موصوف: از ویژگی فارسی قدیم برای تأکید است (بهار، ۱۳۸۱: ۶۵)، مثال: شهنشاه (نظامی: ۱۰۱)، عظیم طراوت و شگرف سیاست (همان: ۱۵۱).

۵- آوردن فعل در ابتدای جمله به تقلید افعال عربی: «بیاراست بأمر و نهی أنبیا و أولیا، نگاهداشت بشمشیر و قلم ملوک و وزراء» (همان: ۱۰۳) البته اینگونه جملات پیش‌تر در مقدمه کتاب است و در فصل‌های دیگر کم‌تر دیده می‌شود.

### ۳. مقامات

از دیگر آثار ادبی که به سبک فنی در این حوزه نگاشته شد، مقامات تألیف قاضی حمید/الدین بلخی در سال ۵۵۱ ق است. نویسنده که از قاضیان بلخ بوده در نگارش کتاب خود از زبان عربی بسیار تأثیر پذیرفته است. با توجه به کاربرد ترکیب، جمله‌بندی، کلمات، تشبیهات، صنایع لفظی و بدیعی و نوع داستان نویسی، به نظر می‌رسد که به تقلید از مقامات بدیع الزمان همدانی و حریری از نویسندگان قرن پنجم نگاشته است. نمونه‌ای از متن «مقامات» حمیدی که سبک فنی آن را نشان می‌دهد، در ذیل آمده:

«تا مگر حلق صیدی در حبایل شست افتد، یا گوشه دامن کریمی به دست آید. خود این منیت چون خط معما مشکل بود و این بُغیت چون اسم بی مسما بی حاصل. چون کیمیا امکان نداشت و چون عنقا مکان. شعر:

فَقُلْتُ لِقَلْبِي وَالْخَطُوبُ فَنُونَ      تُسَلُّ فَهَذَا الْاِدْلَاجُ جَنُونَ  
وَحَلُّ الْمَطَايَا لَا تَزَايِنُ بَسْرَجَهَا      فَإِنَّ نَهَائِيَاتِ الْحَرَكَاتِ سَكُونُ

تا بعد از آنکه شربت‌های شدائد چشیدم و صدمت‌های مکاید بکشیدم و خایب و خایف به شهر طایف رسیدم» (مقامات حمیدی، ۱۳۷۲: ۲۶).

### مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب مقامات از بعد دوزبانگی

- ۱- کاربرد بسیار کلمات و اشعار عربی: بغیت، منیت
- ۲- کاربرد بسیار صنایع لفظی و بدیعی به ویژه سجع
- ۳- اطناب سخن و حشو و حذف افعال به قرینه
- ۴- تقدیم فعل بر جمله: «حکایت کرد مرا دوستی» (همان: ۲۵)
- ۵- آوردن جملات و عبارت‌های عربی در چند سطر بلند و نیز آوردن تمثیل و مثل‌های عربی:



«یا فتیان العرب وخلصان الأدب وأبناء السیف والقلم وأهل العلم والعمل، فوالذی  
حلّاکم بالحلم الرّاجح وقواکم بالعلم النّاجح، إنّ هذا الدّهر قد فسّد وإنّ السوق قد  
کسّد» (همان: ۲۶).

۶- آوردن برخی از کلمات جدید فارسی: دمساز، نژند (همان: ۳۲)، جگر  
کباب (همان: ۱۲۸ و ۱۳۱)، پای افزاز (همان: ۱۳۱).

۷- آوردن «ب» تأکید بر سر افعال یا آوردن همی قبل از فعل یا یاء آخر فعل به  
سبک فارسی قدیم: «بکشیدم»، همی خواندم (همان: ۳۲)، گنجیدی، بودی (همان: ۱۳۱)

۸- کاربرد فراوان اشعار فارسی

### نتیجه بحث

ادبیات دوزبانه به تدریج و در ادوار مختلف با ترکیب و اختلاط رشد و کمال خود را  
طی کرد. به ویژه در عصر سلجوقی که به انسجام، پختگی و تکامل نسبی رسید. این  
تکامل تدریجی بر مباحث مهم زبان شناسی نیز تأثیر گذاشته است؛ کتاب‌های پرشمار  
دوزبانه در این دوره، علاوه بر هموار ساختن مطالعات زبانی، بقای دو زبان تا به امروز با  
وجود فتنه‌ها و ناآرامی‌های بسیار در دوره‌های بعد را تضمین کرد. به دلیل حمایت‌های  
بی‌دریغ حاکمان از ادیبان دوزبانه، علاوه بر ظهور ادبای برجسته به نفوذ آنان در  
حوزه‌های حکومتی، اداری و دینی نیز به نشر و گسترش آن کمک شایان کرد. البته به  
نظر می‌رسد که سبب پذیرفتن زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و عربی به عنوان زبان  
دین از سوی پادشاهان ترک تبار، حفظ حکومت و سلطنت بوده است. زیرا که از این  
طریق هم آیین مملکت‌داری را از پارسیان فرا می‌گرفتند و هم به حکومت خود  
مشروعیت دین می‌دادند تا پایه‌های حکومت خود را با غنای فرهنگی و علمی این دو  
زبان حفظ کنند.

## کتابنامه

ابن بی بی المنجمه، امیر ناصرالدین حسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی. ۱۳۹۰ ش، **تاریخ ابن بی بی، یا الأوامر العلائیه فی الأمور العلائیه**، مصحح: ژاله علو متحدین، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۸۵ ش، **چالش میان فارسی و عربی**، چاپ اول، تهران: نشر نی.

بلخی، عمر بن محمود قاضی حمیدالدین. ۱۳۷۲ ش، **مقامات حمیدی**، مصحح: دکتر رضا انزابی نژاد، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

بهار، محمد تقی (مصحح). ۱۳۸۱ ش، **تاریخ سیستان**، چاپ اول، تهران: انتشارات معین.

تویسرکانی، قاسم. ۱۳۸۳ ش، **نامه‌های رشید الدین و طواط**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جعفریان، رسول. ۱۳۷۷ ش، **از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان**، تهران: اندیشه معاصر.

خسروشاهی، رضا. ۱۳۵۰ ش، **شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر**، چاپ اول، تهران: دانشسرای عالی.

راوندی. ۱۳۶۴ ش، **راحة الصدور وأیة السرور**، مصححان: محمد اقبال و مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۵۸ ش، **از گذشته ادبی ایران**، چاپ سوم، تهران: بی نا.

صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۹ ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۲، چاپ دهم، تهران: انتشارات فردوس.

عوفی، محمد. ۱۳۶۱ ش، **لباب الألباب**، به سعی ادوارد براون، تهران: فخر رازی.

عوفی، محمد. ۱۳۸۹ ش، **لباب الألباب**، مصحح: سعید نفیسی، تهران: نشر پیامبر.

کفافی، محمد عبدالسلام. ۱۹۷۲ م، **فی الأدب المقارن**، دراسات فی نظریة الأدب والشعر القصصی، چاپ اول، بیروت: دار النهضة العربیة.

منشی، نصرالله. ۱۳۵۶ ش، **کلیله و دمنه**، مصحح: مجتبی مینوی طهرانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی. ۱۳۸۸ ش، **چهار مقاله و تعلیقات**، مصحح: علامه محمد قزوینی و محمد معین، چاپ اول، تهران: نشر معین.

## کتاب لاتین

Bill H ickman, Gary Leiser, *Turkish Language Literature and History* Routiedge, Mehr, 22, 1394.

Peter, Malcolm, Holt, Ann K.S, Lamboton, *The Cambridge History of Islam, Volume 2*, Cambridge University Press, Ordibehsht, 1356.

## مقالات

ممتحن، مهدی و حاجی زاده، مهین. ۱۳۸۹ش، «بررسی سیر تحول شعر نو در زبان عربی و فارسی»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، جیرفت، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۵۳-۱۸۰.

## Bibliography

- Azarnoosh, Azartash, Challenges between Persian and Arabic, Tehran, Neji Publishing, First Edition, 2006.
- Ibn Bibi al-Mannjah, Amir Nasr al-Din Hussein ibn Muhammad ibn Ali al-Ja'fari al-Raghdhi, Ibn Bibi date, or al-'Awmār al-Lajeyyy fi al-'Amur al-Ala'yyah, Corrections: Jaleh al-Alao allies, First edition, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies, 1390.
- Balkhi, Omar ibn Mahmood, Ghazi Hamid al-Din Hamidi officials, editors; Dr. Reza Anzabi Nejad, Second Edition, Publisher: Academic Publishing Center, 1372.
- Tuyserkani, Qasim, Letters of Rashid al-Din Vetuswat, Second Edition, Tehran University Press, 2004.
- Bahar, Mohammad Taghi History of Sistan, First edition, Tehran, Moin Publishing, edited 2002.
- Jafarian, Rasool, from Toloe Taherian until the dawn of Khwarazmshahian, Tehran, Contemporary Thought, 1377.
- Khosro Shahi, Reza Persian Poetry and Literature in Asia Minor, First Printing, Tehran, High School, 1350.
- Ravandi, A, Ra'at al-Sadour and Ayat al-Sarwar, Cusans: Mohammadaghbal, Mojtaba Minavi, Second Edition, Tehran Amir Kabir Publishing, , 1364.
- Zarrin Kobb, Abdul Hussein, from the literary past of Iran, third edition, Tehran, 1358 .
- Safa, Zabihollah, The History of Literature in Iran, C 2, 10th Edition, Tehran, Ferdows Publications, 1369.
- Awaf Mohammad, 1361, Labab al-Labab. (Tried Edward Brown). Tehran: Fakhr Razi.
- Letter of Alabama, Corrections: Saeed Nafisi, First Edition, Tehran, The publication of the Prophet of 2010.
- Aftabi, Muhammad'Abd al-Salam Fayy al-Maidar al-Moghadrān, Dasat fi theater of al-Ad'b al-Qa'fi, first print, Beirut, Dar al-Nahuat al-Arab, 1972.
- Monshahi, Nasrallah, Kalileh and Demneh, editors; Mojtaba Minavi Tehrani, Tehran University Press, 1356.
- The War of Samarqandi, Ahmad ibn Omar ibn Ali, First Edition, Four Articles and Notes, Corrections: Allameh Mohammad Qazvini and Mohammad Moeen, Tehran, Moin Publishing. 2009.

## Articles

M., Mehdi, Hajizadeh, Mahin, Volume IV, "A Study of the Development of New Poetry in Arabic and Persian," Journal of Comparative Literature Studies, Jiroft, 2010, No. 16, pp. 153-180.

## **Seljuki's Bilingual Scholars and Persian and Arabic Changes**

**Mohammad Jafari**  
**Fariborz Hosseinjanzadeh**  
**Zahra Yazdani**

### **Abstract**

Persian and Arabic languages – because of dual interactions – are affected by each other through cultural relations since ancient era. But in fifth century – especially in Seljuk's era, the mentioned effects and admixture entered both languages because of scientific and literal competitions of leaders which caused their gradual development and completion. The present research which is done based on literary and historical sources as well as new researches, expresses the effective reasons and factors of two languages' development by descriptive – analytical approach; it comes to conclusion that the changes and improvement root of Persian language as a national language and Arabic as a religious and canonical language was in this era. Bilingual authors and poets as well as Seljuki's princes and royals played the most effective role in the mentioned improvement and change. The aim of the paper is to study bilingual political and literary characters of Persian and Arabic languages as well as discovering the reason of two languages' survival in the present.

**Keywords:** literature, Persian language, Arabic language, poets, authors, Seljuki.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی